

## حال

### درس دو عربی دوازدهم مشترک و انسانی

تعریف: نقشی است منصوب که حالت و چگونگی فاعل، مفعول، نائب فاعل (و...) را

هنگام وقوع فعل بیان می‌کند و اسمی که حالت آن بیان می‌شود

مرجع حال (صاحب حال) گفته می‌شود. مانند

رجع الأمير من الحرب ظافراً ← الأمير: فاعل (مرجع حال) ظافراً: حال

شاهدتُ تلاميذَ المدرسةِ في الساحةِ متكلمينَ

تلاميذ: مفعول (مرجع حال) متكلمين: حال

حال اسم: اسمی است نکره و منصوب که با مرجع حال در عدد (مفرد، مثنی و جمع)

و جنس (مذکر، مؤنث) مطابقت می‌کند

تذکره ۱: معمولاً حال اسم به صورت اسم فاعل، اسم مفعول، وزن فعيل یا فعل آید

منصوبات حال

تذکره ۲: حال، اسم نکره و مرجع حال معرفه است (برخلاف موصوف و صفت)

شاهدنا الطفلة باكية (حال)

شاهدنا الطفلة الباكیة (صفت)

شاهدنا طفلة باكية (صفت)

حال جمله: جمله ای است اسمیه که حالت یک اسم معرفه (مرجع حال) را در جمله نشان می‌دهد

حال جمله‌ی اسمیه با دو الگوی زیر ساخته می‌شود

{ الف- واو حالیه + ضمیر منفصل (مبتدا) + خبر (اسم) ← جاء الطلاب و هم مسرورون

{ ب- واو حالیه + ضمیر منفصل (مبتدا) + خبر (فعل مضارع) ← شاهدتُ الطالبات و هنَّ يضحكنَ

## نکات

۱- مرجع حال (صاحب حال) یا اسم ظاهر یا ضمیر است اما در صورتی که اسم ظاهر در جمله باشد بر ضمیر، اولویت دارد.

اللاعبون الایرانون رجعوا من المسابقة مُبتسمین ← مرجع حال: اللاعبون

و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلون (جمله ی حالیه) ← مرجع حال: ضمیر واو

۲- گاهی اوقات مرجع حال (صاحب حال) از طریق مطابقت جنس و عدد مشخص می‌شود.

شاهد المعلم الطالبات جالساً ← صاحب حال: معلّم

شاهد المعلم الطالبات جالسات ← صاحب حال: الطالبات

۳- گاهی اوقات مرجع حال (صاحب حال) از معنی و مفهوم عبارت مشخص می‌شود. (ترجمه)

يشربُ الطفلُ الماءَ بارداً ← صاحب حال «الماء»

يشربُ الطفلُ الماءَ قائماً ← صاحب حال «الطفل»

۴- ممکن است در جمله بیشتر از یک حال - برای یک صاحب حال - بیاید:

هاتان البنيتان قائمتا بجولة علمية في الإنترنت مُبتسمتين، جالستين .

۵- حال جمله‌ی اسمیه باید دارای شرایط زیر باشد:

الف- حالت یک اسم «معرفه» را بیان کند (صاحب حال)

ب- با «واو» حالیه شروع شود.

ج- ضمیر منفصل و خبر (اسم یا فعل مضارع) از نظر جنس و عدد با صاحب حال مطابقت کند.

يلعب الوالدان في الغرفة و هما مسروران.

اجتمع المسلمون في ساعة المدينة و هم يُطالبون حقوقهم

**تذکره ۱:** حال به صورت جمله‌ی فعلیه از اهداف آموزش کتاب نیست.

**تذکره ۲:** جمله‌ای که یک اسم نکره را توضیح می‌دهد، جمله‌ی وصفیه است.

۶- حال نقش اصلی محسوب نمی‌شود بنابراین اگر حذف شود جمله‌ی برجا مانده کامل است (اگر کلمه‌ای در جمله نقش اصلی بگیرد حال نخواهد بود)

لَسْتُمْ نَائِلِيْنَ مَا تَحَبُّونَ. ← خبر لیس

نَعْرِفُ مُشَاهِدِيْنَ فِي الصَّالَةِ. ← مفعول

كَأَنَّ فِيهِمْ صَالِحًا. ← اسم كأنَّ

۷- برای پرسش قرار دادن حال از اسم استفهام «کیف» استفاده می‌شود مانند: کیف ترجعون الی ربکم؟

**تذکره:** در این حالت باید پس از «کیف» فعل بیاید.

## ایستگاه ترجمه

الف- حال اسم به صورت «قید حالت» یا «در حالی که...» ترجمه می‌شود:

خرجت الطالبات من المدرسة نشيطات: دانش‌آموزان از مدرسه، شادمان خارج شدند. (یا) دانش‌آموزان از مدرسه خارج شدند، در حالی که شاد بودند.

بعث الله النبي مبشرين: خداوند پیامبران را بشارت دهنده فرستاد.

**تذکره مهم:** حال نباید به صورت صفت ترجمه شود.

ب- در ترجمه‌ی جملات حالیه ی اسمیه:

۱- واو حالیه حتماً به صورت در حالی که ترجمه می‌شود.

۲- در صورتی که فعل اول (جمله‌ی اصلی) ماضی و در جمله‌ی حالیه «فعل مضارع» باشد، فعل دوم (مضارع)

به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

خوَجَ التلاميذ من الصف و هم يضحكون.

دانش‌آموزان از کلاس خارج شدند در حالی که می‌خندیدند.